

فرهیختگان: دوشنبه هفته گذشته ۲۷ تیرماه، مسئولان دولت سابق

به‌مناسبت عبدالغدر به دیدار رئیس پیشین خود، حسن روحانی رفتند. تا اینجاى ماجرا اتفاق چندان عجیبی نیفتاده است. تعدادی از وزرا و مقامات شاعل در دولت‌های یازدهم و دوازدهم دیداری با یکدیگر تازه کرده‌اند و همان‌طور که انتظار می‌رود، گپ‌گفتی هم دربارهٔ مسائل روز کشور داشته‌اند؛ اما آنچه توجه‌ها را درباره این جلسه به‌خود جلب می‌کند، آن بخش از گفت‌وشنودهایی است که به‌عنوان خروجی رسانه‌ای این دیدار عیدانه در فضای مجازی دست‌به‌دست شد. در تصاویری که از این جلسه منتشر شده است شاهد حضور اکثر وزرا، معاونان شان، استانداران و دیگر صاحب‌منصبان دولت‌های یازدهم و دوازدهم هستیم اما معمولاً آنچه در نخستین مواجهه برای بینندگان چنین تصاویری جالب و مهم جلوه می‌کند، پیدا کردن آن تصویری است که نشان می‌دهد چه افرادی کنار رئیس جمهور سابق نشسته‌اند که اتفاقاً در این مورد خاصی هم مسئولیت افراد نشسته بر صندلی‌های مجاور حسن روحانی در دولت دوازدهم است که ارتباطی نتگانتگ با مطلبی دارد که از قول روحانی در رسانه‌ها دست‌به‌دست شد. این‌طور که در تصاویر دیده می‌شود، علی‌رغم حضور افرادی مثل محمد نهبانودی‌ان رئیس دفتر روحانی در دولت یازدهم، محمود واعظی رئیس دفتر او در دولت دوازدهم و معصومه ابتکار یکی از معاونان او در دولت دوازدهم، این عبدالناصر همتی (که البته پیش‌از او آذری جهرمی در آنجا نشسته‌بود)، جوادظریف و محمدباقر نوینخت هستند که به‌ترتیب صندلی‌های کنار حسن روحانی را پر کرده‌اند. نکته جالب‌توجه در این باره آنکه سه موضوعی که روحانی درباره آنها اظهارنظر کرد و این اظهارنظرهای رسانه‌ای شده حواشی نسبتاً گسترده‌ای را هم به دنبال داشت، به‌ترتیب شوخی روحانی و همتی با موضوع دلار، حمله روحانی به‌مصوبه‌برجامی مجلس و مساله کسری بودجه‌سال ۱۴۰۰ و وضعیت اقتصادی کشور هنگام تغییر دولت بود که دقیقاً به حوزه فعالیت سه وزیر سابقى بازمی‌گشت که کنار روحانی نشسته بودند. اما فارغ از دو

گفت‌وگو

فؤاد ایزدی، کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

بایدن بیشتر از روحانی به اهمیت قانون مجلس واقف است

فرهیختگان: اظهارات جدید حسن روحانی درباره روند مذاکرات وین در سال‌های پایانی دولت دوازدهم و اد‌عای او درباره قانون اقدام راهبردی مجلس پنهانی‌شد تادر این خصوص بافؤاد ایزدی، کارشناس مسائل بین‌الملل به گفت‌وگو سپردیم. ایزدی معتقد است تصور اشتباه روحانی درباره طرف آمریکایی باعث شده بود با وجود زیاده‌خواهی‌های طرف غربی، دولت دوازدهم همچنان به احیای برجام امیدوار و نسبت به آمریکایی‌ها خوشبین باشد.

این کارشناس مسائل بین‌الملل همچنین اعتقاد دارد قانون اقدام راهبردی تصویب‌شده‌ای سوی مجلس به‌دق‌تری در جریان مذاکرات اثرگذار بوده که مقامات آمریکایی هم به آن اذعان داشته‌اند. او در این باره با استناد به یادداشت اخیر جو بایدن در روزنامه واشنگتن پست می‌گوید آن میزان که بایدن به اهمیت قانون اقدام راهبردی واقف بود، روحانی نسبت به آن توجه نداشت. در ادامه متن این گفت‌وگو را می‌خوانید.

۱۱

به توجه به روند مذاکرات وین ۶ مه‌ی که تیم مذاکره‌کننده ایرانی بر سر آن گفت‌وگو می‌کرد، درباره این ادعای آقای روحانی درخصوص قانون اقدام راهبردی تصویب‌شده توسط مجلس چه نظری دارید؟

در رابطه با تحولات مذاکرات وین ۶ لرام است در این باره که دقیقاً چه اتفاقی در آنجا افتاده، اطلاع داشت، اما منبعی درباره مصوبه مجلس وجود دارد که بایدی به آن توجه داشت و آن متنی است که بایدن چند روز قبل از سفر خود به غرب آسیا در واشنگتن پست نوشت. او در آنجا اشاره‌ای به این مصوبه مجلس دارد. حرفش این است که ترامپ بدون هیچ برنامه بعدی از برجام خارج شد، بعد مجلس ایران طرحی را در واکنش به خروج ترامپ از برجام تصویب کرد، بعد زمانی که آمریکا در سازمان ملل می‌خواست برای اجرای آن مصوبه مجلس، ایران را محکوم کند موفق به این کار نشد. یعنی عملاً این آمریکا بود که در آن مقطع منزوی شده بود. معنای این یادداشت بایدن آن است که نخست ایران حق داشت واکنش نشان دهد چون مقصر اصلی در آن مقطع دولت ترامپ بود. نکته دومی هم که مورد بررسی قرار می‌دهد آن است که بعد از ارائه این مساله در محیط بین‌المللی، کشورها اقدام ایران را که مصوبه مجلس بود، تأیید کردند، نه آن‌قدر که دولت ترامپ.

رئیس جمهور سابق کشورمان در اواخر دوره ریاست جمهوری اش قصد داشت مشکلات برجام را به گردن نیروهای داخلی بیندازد. این گفت آمریکایی‌ها تویه کرده‌اند و مشکل از داخل است. این حرف، حرف درستی نبود. به این دلیل که جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا بود و قبحاً ترامپ از آن‌را می‌گوید. معتقد است مسبب مشکلات ترامپ بوده و بقیه کشورها هم متوجه این مساله شده‌اند. این حرف‌های آقای روحانی به کشور ضربه زد. آمریکایی‌ها وقتی می‌بینند رئیس‌جمهور کشور طرف مقابل می‌آید و تقصیر را گردن کشور خودش می‌اندازد به چه دلیل باید روند ضدایرانی خود را کنار بگذرانند؟ وقتی می‌بینند روش‌شان دارد جواب می‌دهد به همان رویکرد ادامه می‌دهند.

درنتیجه آقای روحانی خیلی جایگاهی برای بحث درباره این حوزه‌ها ندارد. لرام است به این نکته توجه کرد که در مقطعی، مشکل اصلی موجود در روند مذاکرات مرتبط با آقای روحانی بود نه آقای عراقچی، آقای ظریف یا دیگر اعضای مذاکره‌کننده. مشکل متوجه شخصی رئیس‌جمهور وقت بود و گاه این افراد، دیپلمات‌هایی بودند که داشتند دستورات آقای روحانی را اجرا می‌کردند. دستوراتی که گاه خودش هم متوجه مشکل را بودن آن بودند.

درنتیجه این‌ها را باید در نظر گرفت. نکته مهم در این خصوص این است که روحانی در این باره هیچ‌چیز نگفت و به‌جای آن سعی کرد تا با بیان مشکلات و چالش‌های موجود در این باره، توجه را از موضوع اصلی منحرف کند و به‌جای آن سعی کند تا با بیان مشکلات و چالش‌های موجود در این باره، توجه را از موضوع اصلی منحرف کند و به‌جای آن سعی کند تا با بیان مشکلات و چالش‌های موجود در این باره، توجه را از موضوع اصلی منحرف کند.

نکته مهم در این باره این است که روحانی در این باره هیچ‌چیز نگفت و به‌جای آن سعی کرد تا با بیان مشکلات و چالش‌های موجود در این باره، توجه را از موضوع اصلی منحرف کند و به‌جای آن سعی کند تا با بیان مشکلات و چالش‌های موجود در این باره، توجه را از موضوع اصلی منحرف کند.

سیاست

تلاش زودهنگام رئیس‌جمهور سابق برای بازسازی از راه هسته‌ای تکرار نسخه ۹۲ بود ولی تجربه ۸ساله او مانع باورپذیری اجتماعی است، بدتر اینکه خبر روحانی درباره اسفند ۹۹ واقعیت ندارد

خطای راهبردی روحانی

بدعهدی آشکار پرداخت‌نکرده‌بود. این شرایط تاریخی ادامه داشت که ایران تصمیم گرفت دست به اقدامات متقابل زده و تعهدات خود ذیل برجام را گام‌به‌گام کاهش دهد. نتیجه این تصمیم، تبدیل به طرحی شد که با رای نمایندگان مجلس به تصویب رسید. یکی از جدی‌ترین نقاط‌قوت این قانون که سایر بخش‌های آن را نیز تحت‌تأثیر خود قرار داده، مادهٔ ۴ آن است که سازمان انرژی اتمی کشورمان را مکلف کرده تا حداکثر ظرف مدت سه‌ماه پس از تصویب این قانون، عملیات نصب، تزریق گاز، غنی‌سازی و ذخیره‌سازی مواد را تا درجه غنی‌ای موردنیاز، با حداقل ۱۰۰ دستگاه سانتریفیوژ نسل دوم پیشرفته آغاز کند. همچنین این سازمان را مکلف کرده در همین بازه زمانی، عملیات غنی‌سازی و تحقیق و توسعه با سانتریفیوژ نسل ششم را با حداقل ۱۶۴ سانتریفیوژ از این نوع آغاز کرده و آن را ظرف مدت یک‌سال پس از تصویب این قانون به ۱۰۰ دستگاه سانتریفیوژ توسعه دهد.

ماجرای گاف‌های وین ۶وقانونی که از بروز فاجعه جلوگیری کرد
اما برای تأیید مزایا و فرصت‌هایی که با تصویب این قانون پیش‌روی دستگاه سیاست خارجی کشورمان فارغ از اینکه چه دولتی برسر کار استست قرار گرفت، تنها کافی استس موری بر شرایط مذاکرات وین در آن مقطع داشته باشیم. همان‌طور که پیش‌تر در شمارهٔ ۲۸

دی ۱۴۰۰ «فرهیختگان» با عنوان «گاف بزرگ عراقچی در وین ۶» مفسلاً به آن پرداختیم، شرایط حاکم مذاکرات هسته‌ای در ششمین دور، آن چیززی نبود که درنتیجه خود منافع ایران را تأمین کند. در آن گزارش به تفصیل این شرایط، مطالبات عجیب طرف غربی و امتیازات عجیب‌تری را که مذاکره‌کنندگان ایرانی برای ارائه آن اعلام آمادگی کرده بودند، مورد بررسی قرار داده‌ایم اما آنچه لازم است بعد از ادعای اخیر حسن روحانی مجدداً یادآوری شود، امتیازات فرابرجامی و عجیب مورد مطالبه طرف غربی ازجمله تعهد ایران درخصوص حذف سانتریفیوژهای نسل‌سلف جدید، نابودی اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصد و بازگشت به شرایط غنی‌سازی ۳٫۶ درصد بود که مذاکره‌کنندگان کشورمان نیز به‌سمت پذیرش آنها قدم برداشته بودند. این اتفاق درحالی رخ می‌داد که طرف غربی درمقابل حتی حاضر به لغو تحریم‌های دوره ریاست‌جمهوری ترامپ هم نشده بود. به‌بیان دیگر، مذاکرات وین با این اوصاف به‌سمت یک فاجعه تمام‌عیار پیش می‌رفت که عواملی ازجمله قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها از وقوع آن جلوگیری کرد. نکته قابل توجه و البته تعجب‌آور اینکه موارد مورد اشاره دربار مطالبات فرابرجامی غرب از ایران و نزدیک‌شدن کشورمان به یک توافق دیگر در مقطعی رخ می‌داد که مذاکرات وارد ششمین دور شده بود. این مساله می‌تواند

مهدی خانعلی زاده، کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

بایدن بعد از قانون مجلس پای کار مذاکره آمد

را پذیرفته بودیم، هم فشار حاکم‌داری تحریم‌ها را تحمل می‌کردیم، هم از منافع اقتصادی برجام‌بهره‌مند بودیم، در چنین شرایطی مجلس یازدهم به این نتیجه رسید که وضعیت فعلی برای کشور خسارت‌محض است‌و باید کاری کنند که منافع برجام برای ایران زنده شود که اتفاقاً مجلس یازدهم در راستای پاسخ سوال قبلی شما، راه احیای برجام را انتخاب کرد. این را هم بگویم، طبق مصوبه مجلس دهم که به مصوبه برجام معروف است، مجلس یازدهم می‌توانست اقدامی انجام دهد تا دولت‌ا از برجام خارج شود، اما این کار را نکردند و این را از دولت خواستند و اتفاقاً دولت خواستند برای اینکه آسیب‌ها و فشارها ادامه پیدا نکنند و ایران محدودیت‌های آن را نپذیرد، دست به احیای برجام بزند که بارها مطرح شده است، حتی بسیاری از کارشناسان گفته‌اند اگر طرح مجلس نبود، دولت بایدن هیچ تلاشی برای احیای برجام نمی‌کرد، چرا؟ به دلیل اینکه طرح آمریکای برای برجام، بازگشت به تعهدات برجامی خود، نبود، بلکه می‌خواست بیش از دویلمیلارد دلار به ایران پول بدهد و در وزن تحریم‌ها و فروش نفت ایران به چین را به‌عنوان امتیاز به ایران بفروشد، درحالی‌که مسیر دور‌زن تحریم‌ها و فروش نفت به چین برای ایران با‌بازدوینزای به امتیازگیری از آمریکان بود. به‌عبارت ساده‌تر، آنها عملاً امتیازی به ما نمی‌دادند. در چنین شرایطی قانون مجلس کمک کرد مذاکرات شکل بگیرد. بنابراین ادعاهایی که اخیراً دولت روحانی مطرح کرده، با منطق و رویدادهایی که رخ داده همخوانی ندارد، چه برسد به اینکه ادعای کند طرح مجلس جلوی احیای برجام را گرفته است. اگر تعریف دولت روحانی از احیای برجام، بازگشت تمام محدودیت‌های ایران و باقی‌ماندن فشارهای حاکم‌داری در قبال دریافت میلیی پول از آمریکاست، بله طرح مجلس جلوی این تعریف غلط را گرفته است، اما اگر منظورشان احیای واقعی برجام است، اصلاً بنیاتگذار مذاکرات احیای برجام این طرح مجلس یازدهم است و اگر طرح مجلس نبود، مذاکرات احیای برجامی هم وجود نداشت.

به تعریف دولت روحانی از احیای برجام اشاره کردید. جمع‌بندی دولت روحانی در دور ششم مذاکرات وین چه بود و در آن دور از مذاکرات، بر سر چه چیزهایی مذاکره شده بود که منطبق بر قانون نبوده؟ مثلاً مواردی مانند اینکه تیم مذاکره‌کننده درباره برجام پلاس هم صحبت‌هایی کرده بودند که خب مشخصاً برجام پلاس به بحث هسته‌ای محدود نمی‌شود و وارد بعد منطقی‌ای و … هم می‌شود.

بیباید اصلاً بررسی کنیم که قانون راهبردی مجلس چه بوده، گفته‌اگر طرف آمریکایی طبق برجام تا سه ماه اقدام به لغو تحریم‌ها نکنند، ایران باید اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی را متوقف کند. این اصلی‌ترین ماده این قانون است.

اولاً دولت روحانی که این طرح مجلس را دور زد، یعنی در آن سفری که پروتکلی یعنی فرایادمانی همچنان تصاویر را ضبط کنند اما به‌صورت آنلاین در اختیار آژانس قرار ندهند. درصورتی که مصوبه مجلس این بود که ضبط تصاویر کاملاً قطع بشود، اما این دور زده شد. زمانی که وین ۶ ادامه داشت یعنی مرداد و شهریورماه ۱۴۰۰، دولت سابق با مذاکره‌کنندگان خود داشت مذاکره می‌کرد. چه اتفاقی افتاد که آنها می‌گویند طرح مجلس جلوی آنها را گرفت؟ چرا این را می‌گویند؟ می‌خواهند بگویند چون ۶ ماه تصاویر را ضبط کردند و در اختیار آژانس قرار ندادند، بازی شمات‌ر را بردند. بازی شمات‌ه هم همان صحبت‌های همیشگی آژانس و غرب و آمریکا بوده که ایران را در جایگاه متهم قرار دادند و گفتند ایران همکاری نمی‌کند. درحالی‌که این ادعا و تحلیل غیرواقعی است و ارتباطی با واقعیت ندارد. چرا؟ چون شهریور ۱۴۰۰ در جلسه کمیسیون امنیت ملی سیدعباس عراقچی متن پیش‌نویس توافق با طرف غربی و آمریکایی را به مجلس می‌برد و مطرح می‌کند، پارسال هم روزنامه فرهیختگان «جزئیاتش را منتشر کرد که چه‌چندهایی فرابرجامی بوده و تعهدات منطقی‌ای و موشکی هم داشته است. وقتی عراقچی این پیش‌نویس را ارائه می‌دهد، مجلس و شورای عالی امنیت ملی به خاطر اینکه تعهدات فرابرجامی داشته با آن مخالفت می‌کنند. اصلاً بحث طرح اقدام راهبردی مجلس در اینجا مطرح نبوده. اگر دولت روحانی می‌خواهد بگوید نگذاشتند ما توافق بکنیم، باید به مصوبه شام

پنجشنبه ۳۰ تیر ۱۴۰۱ شماره ۲۶۴۴

۲

نشان دهنده شرایط به‌مراتب بدتر مذاکرات در پنج دور پیش از آن باشد، پنج دوری که همه پیش از تصویب اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها توسط مجلس پیگیری شده بود.

هدف روحانی از تحریف واقعیت‌ها درباره مذاکرات چیست؟
شاید بتوان گفت نگذاشتند، نخواستند، اجازه ندادند و… افعالی بود که در طول هشت‌سال مدیریت دولت روحانی زیساد آنها را از زبان رئیس‌جمهور شنیده بودیم. روحانی این بار و در دیدار عیدانه خود با مقامات دولتش هم بار دیگر با تکرار استدلال‌های قبلی از «نگذاشتند» می‌گفته که به اعتقاد او با قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها صورت گرفته است، یعنی این نمایندگان مجلس بوده‌اند که با تصویب این طرح، مانع از نتیجه‌رسیدن توافقی شدند که به‌عقیده روحانی حل‌کننده مشکلات کشور در آن مقطع بود. توافقی که در بخش قبلی تنها به گوشه‌ای از مفاد فاجعه‌بار آن پرداختیم.

با همه اینها و با درنظر گرفتن شرایط کشور در دولت‌های یازدهم و دوازدهم، می‌توان به الگوی نسبتاً ثابتی از اظهارنظرهای روحانی در مقاطع مهم دست‌یافت. مقطعی از سال‌های پایانی دهه ۹۰ که کشور درگیر مشکلات اقتصادی و سیاسی متعددی بود اما رئیس‌جمهور وقت با حمله به منتقدان، از آنها بی‌اسم می‌برد که «نگذاشتند» توافق مورد نظر دولت او به نتیجه رسیده و مشکلات مردم حل شود. اظهارات عمدتاً مشابهی که به‌منظر می‌رسید و البته همچنان با تداوم موضع‌گیری‌های روحانی به‌نظر می‌رسد تکرره او و دولتش از کاستی‌های موجود در هشت‌سال مدیریت بر کشور را دنبال می‌کند. درخصوص این اظهارات برحاشیه‌حسن روحانی و بررسی واقعیت‌های موجود در جریان مذاکرات وین در آن مقطع، به گفت‌وگو با فواد ایزدی و مهدی خانعلی زاده، دو تن از کارشناسان مرتبط با این حوزه پرداختیم که در ادامه نکات مطرح‌شده ازسوی این دو کارشناس مسائل بین‌الملل را می‌خوانید.

که اجازه نداد تعهدات فرابرجامی طبق پیش‌نویس وین ۶ تصویب شود، اشاره کنند. اما مذاکره‌کنندگان دولت قبل برداشتی که دارند و چیزی که می‌گویند این است که ما داشتیم به توافقی با آمریکا می‌رسیدیم که ایران به تعهدات برجامی اش برگردد و در عوض آمریکایی‌ها مقداری پول آزاد کنند و طرح مجلس اجازه آن را نداد. درصورتی که اصلاً بحث سر تعهدات فرابرجامی بوده، نه این موردی که آنها می‌گویند.

آن شرایط مذاکرات وین را در نظر بگیرید، با توجه به اینکه در مذاکرات وین وقفه‌ای رخ داده و بصورت غیرمستقیم دنبال می‌شود، این ادعاهایی که اخیراً از جانب روحانی با مذاکره‌کنندگان مطرح می‌شود مبنی بر اینکه نگذاشتند ما توافق کنیم، با چه هدفی بیان می‌شود؟ آیا با این گونه ادعاها کارنامه دولت روحانی پاک می‌شود و آنها می‌توانند خودشان را تبرئه کنند؟

از دو وجه می‌شود به این مساله پرداخت؛ یکی اینکه چه توافق بشود چه نشود، تیم مذاکره‌کننده دولت سابق ماهی خودشان را از این آب می‌گیرند. اگر توافق شود می‌گویند این همان برجامی بود که ما داشتیم احیای می‌کردیم، شما فقط می‌خواستید خودتان این کار را انجام بدهید. درصورتی که متن وین ۶، با متنی که در وین ۸ نهایی شده بود و طرف آمریکایی زیر آن زد، کاملاً متفاوت بود. متن وین ۸ بسیار هوشمندانه‌تر کاربردی‌تر است و ارتباطی با آن ندارد. یعنی اگر الان برجام احیا بشود، هیچ ارتباطی با آن برجامی که آقای عراقچی می‌خواست احیا کند، ندارد. از آن طرف، این است که آنها می‌گویند اگر توافق نشود، تیم مذاکره‌کننده فعلی زبان دنیا را متوجه نمی‌شوند یا دیپلمات نیستند، یا موقعیت طرفی از دست رفت، باید داد دست طرفی می‌بود تا کار را انجام دهد و از این دست صحبت‌ها مطرح می‌کنند. در هر دو صورت می‌خواهند امتیاز توافق یا عدم توافق را به نام خودشان برزند. در همین راستا، صحبت‌های خلاف واقع زیادی مطرح می‌کنند، همین الان با همه دستاوردها و پیشرفت‌هایی که اتفاق افتاده، اگر طرف ایرانی حاضر به پذیرش این نکته بشود که انتفاع واقعی اقتصادی از احیای برجام ننداشته باشد، توافق انجام می‌شود. طرف آمریکایی بارها اعلام کرده که آماده امضا هستیم یعنی طرف ایرانی اگر خواهد هیچ نفعی از توافق نبرد، می‌تواند احیای برجام را امضا کند. یعنی اگر محمدجواد ظریف در همین شرایط کنونی که علی‌باقری کنی هست، می‌بود، به دلیل اینکه اهمیت بی‌شائبه انتفاع اقتصادی ایران از برجام نمی‌دهد، توافق را بدون منفعت ایران امضا می‌کرد. الان چون علی باقری کنی به انتفاع اقتصادی اهمیت می‌دهد، مذاکره را ادامه می‌دهد و پیش می‌برد که بتواند یا ۱۵ درصد انتفاع اقتصادی حاصل کند. یعنی اینکه بخشی از اینها هم بازی‌های سیاسی است. روحانی با خاطر تلخی از مردم جدا شد و رکورد نامحبوب‌ترین رئیس‌جمهور بعد از انقلاب اسلامی را به نام خودش ثبت کرد. در این یک سال تلاش کرد تا با همه اتفاقاتی که افتاده، از فضای رسانه‌ای استفاده بکند و چهره خودش را در تاریخ بهبود ببخشد و بگوید ما می‌توانستیم کار کنیم اما فلان گروه نگذاشتند. و فکر می‌کنند مردم متوجه نمی‌شوند که این ادعا از حقیقت دور است.

در تاریخ چه چیزی می‌ماند؟ کتاب خاطرات محمدجواد ظریف و علی‌اکبر صالحی به‌اسم «از سر به‌پهر» حاوی اسناد خوبی است و بسیاری از مسائل را سوواو عیان می‌کند. مثلاً دولت روحانی مدعی بود که پذیرش غنی‌سازی ایران در برجام اتفاق افتاد. اما در راز سر به‌پهر علی امیرصالحی به نقل از دیپلمات ارشد آمریکایی در مذاکرات عمان نوشته که مأمور آمریکا اعلام می‌کند ما غنی‌سازی شمار پذیرفته‌ایم. یعنی از زمان مذاکرات قبل یعنی زمان دولت احمدی‌نژاد و زمان مذاکرات سعید جلیلی آمریکایی‌های این مورد را پذیرفته بودند. یعنی پذیرش غنی‌سازی، میوه‌مذاکرات جلیلی بود که این دوستان به‌پهر برده‌ای اش را انجام دادند. ولی برای اینکه به تاریخ اطلاعات غلط بدهند می‌گویند این پذیرش حق غنی‌سازی در زمان ما اتفاق افتاد. در پایان هم با بگویم که مصاحبه‌ای که اخیراً از طرف منتشر شد و صحبت‌هایی که در آنجا اخیراً کرد، و البته حاشیه‌های آن که عراقچی در وزارت خارجه دنبال می‌کند مثل جلسه تودیع و معارفه خطیب‌زاده که ایران را از ضرب‌الاجل سپتامبر ترساند، تلاش می‌کنند تا ایران تن به یک توافق بد بدهد.